

مطلبی که در زیر ترجمه آن را می خوانید، گزارشی است که خشونت پلیس آمریکا برعلیه تظاهرکنندگان در خیابانهای یکی از شهرهای بزرگ این کشور یعنی شهر میامی را نشان می دهد. میامی شهری است که به بهشت سیاسیون فراری بویژه آمریکای لاتین و به جهنم کارگران مهاجر آمریکای لاتین مشهور شده است. این گزارش به قلم ناومی کلین روزنامه نگاری که حرفه روزنامه نگاری و نوشتن را نه برای تملقگویی از و خوشآمد، حاکمان جهان کنونی، بلکه برای نوشتن و پرده برداشتن از نیرنگها و خیانتهای طبقه حاکمه و سیاسیون آن انتخاب نموده نوشته شده است. چندی قبل هم یک گزارش از همین روزنامه نگار شجاع و آگاه، در رابطه با تسخیر کارخانه ها بوسیله کارگران آرژانتین و چگونگی برخورد نیروهای امنیتی این کشور، ترجمه نمودم.

ترجمه به فارسی این گزارش از سوئدی انجام گرفته است. این مطلب در روزنامه عصر سوئد به نام آفتون بلادت در تاریخ ۲۶-۱۱-۲۰۰۲ به چاپ رسیده است. مترجم سوئدی این گزارش تور ونبرگ (Tor Wennerberg) می باشد.

حمید قربانی

۲۰۰۲-۱۲-۹

جنگ به خانه می آید

ناومی کلین (NAOMI KLEIN) متدهای جدیدی را در سرکوب جنبش در میامی می بیند.

در دسامبر ۱۹۹۰ رئیس جمهور بوش بزرگ(پدر) به سراسر آمریکای جنوبی سفر کرد. او در این سفرتلاش نمود که آرزوی جدید یک جانورگوشتخوار را به مردم این منطقه بفروشد: " سیستم تجارت آزادی که بخشهای مختلف قاره آمریکا را به یک دیگر وصل نماید." بوش پدر در برابرکنگره آرژانتین گفت پیمانی که سپس "تجارت آزاد در حوزه آمریکا (Free Trade Area of the Americas) و یا مستعار آن (FTAA)" می خواهد: "بیانیه ی وابستگی نیم کره ما به مثابه شروع روشنی بر یک جهان باشکوه و دلچسب باشد."

هفته گذشته دو فرزند بوش کوشش کردند که این جهان تازه را بوسیله ی برپائی مذاکرات سران فتا (FTAA) در محیط دوستانه ی کالیفرنیا افتتاح کنند. کالیفرنیا همان ایالتی است که در سال ۲۰۰۰ فرماندار جپ بوش (Jep Bush) قول داده بود که ریاست جمهوری را برای برادرش "ارسال کند"، حتی

اگر این بدین مفهوم باشد که بسیاری از سیاه پوستان آمریکا از امکان استفاده از حق رای دادن محروم کردند. اکنون نیز جپ بوش (Jep Bush) قول داده بود که به برادرش این امکان را بدهد که تمایل شدید خود را به مالکیت بر پیمان تجارت آزاد در حوزه نیم کره ی آمریکا را فرو نشاند، گر چه این به معنی محروم شدن هزاران آمریکائی از حق اعتراض و تظاهرات تمام شود.

اما با وجود کوشش پیگیر و وافر برادران بوش در هفته گذشته آرزوی تبدیل نیم کره به تنها بازار بزرگ اقتصادی مرد. ولی علت مرگ این آرزو تظاهرات در میامی نبود، بلکه بوسیله توده‌های مردم در برزیل، آرژانتین و بولیوی این آرزو مرد که به سیاستمداران خود اعلام کرده بودند که اگر بیشتر از اینکه هست قدرت را به شرکتهای بزرگ و چند ملیتی واگذار کنند اجازه برگشت به خانه را نخواهند داشت.

هنیت مذاکره کننده برزیل توافقی کرد که قرارداد را به چیزی که بیشتر شباهت به میز ساندویچ داشت تبدیل کرد که هر کسی با هر کجای قرارداد که موافق بود، آنجا را امضاء میکرد و بقیه را حق داشت که امضاء نکند. این مسلم است که واشنگتن به هر یک و یا گروهی از کشورها برای امضای قسمتهای جداگانه، بیشتری از قرارداد تجارت آزاد قاره آمریکا (Nafta) فشار میآورد ولی دیگر این نمی توانست یک قرارداد یک شکل و یک رنگ باشد.

در داخل (Inter Continental Hotel) انسانها چیزی را که در حال رخدادن بود "شبهه فتا" مینامیدند ولی برای ما که بیرون از هتل در خیابان بودیم، رخدادی را که می دیدیم بیشتر از هر چیز دیگر "جنگ مانند" بود تا چیز دیگری. البته هر اندازه که در داخل و روی میز مذاکره، هنیت مذاکره کننده آمریکایی کنترل را از دست می داد، بهمان نسبت پلیس در خیابان بر شدت خشونت خود بر علیه تظاهرکنندگان می افزود.

" هدف ما غلبه کردن بر شما بود" این را یکی از پلیسهای میامی به من گفت، و در حقیقت هم این آن چیزی بود که آنها انجام دادند. به تظاهرات کوچک صلح آمیز با خشونتی افراطی حمله می شد؛ بداخل سازمانهای فعال، پلیس های لباس شخصی نفوذ کرده بودند که بعدا همان عوامل نفوذی پلیس با کوله های شوک آور به فعالین تیراندازی نمودند؛ به اتوبوسهایی که اعضای اتحادیه ها را برای پیوستن به تظاهرات قانونی آورده بودند اجازه حرکت نداده و متوقف می نمودند؛ چهره‌های دهها تن از فعالین نوجوان با باتوم نیروی نظم آشنا شده و با ضربه های باتوم خون آلود گردیدند؛ فعالین حقوق بشر در

راهبندانهای نظامی با سلاح نشانه گرفته به سرهایشان روبرو شدند.

خشونت پلیس در خارج از محل برگزاری جلسه سران تجارت آزاد چیز تازه‌ای نبود، ولی چیزی که در میامی تازه بود اینکه در جاهای پرتی سرمایه‌ی گذاری امنیتی کرده بودند که واقعا هیچگونه ریسک واقعی امنیتی نداشتند. از نظر فعالین، تظاهرات خیلی به صورت غم انگیزی کوچک و دردناکانه اطاعت کننده بود، این را می توان بعنوان یک عکس العمل قابل فهم از یک هفته تاکتیک وحشت آفرینی دانست که از طرف پلیس انجام گرفته بود.

در حالیکه من به صدای مهیب هلی کوپترهای نظامی و قدم رو پلیس در خیابانها گوش می دادم قادر به دور کردن این احساس از خودم نبودم که یک چیز جدیدی در حال اتفاق افتادن است. این احساس که ما (تظاهرکنندگان) هدف این حمله باشیم، نبود بلکه این را به خوبی می شد حس کرد که این یک میدان تمرین آمادگی نیروی نظامی برای آینده باشد، ما هم بازیگرانی نه دلخواهانه در این تمرین نظامی دقیق حساب شده و به ثبت رسیده بودیم.

موضوع رسمی ملاقات سران قرارداد تجارت آزاد (FTAA) "جنگ برضد تروریسم" بود. آن اقدامات و متدهای تاکتیکی و تبلیغاتی هالیوودی ارتش و مطبوعات نظامی شده ای که در هفته های اخیر در عراق بکار برده بودند؛ در بزرگترین شکل خود اکنون در یک شهر بزرگ آمریکا مورد استفاده قرار میدادند. "این را بهتر است که یک پیش پرده برنامه ریزی شده در دفاع از مام میهن دانست"، این گفته شهردار میامی مانی دیاز (Manny Diaz) است که افتخارش به عملیات امنیتی است که به همکاری و مشارکت بیش از ۴۰ سازمان و مقامات انتظامی و پلیسی برای حفظ قانون و رعایت نظم، از (FBI) گرفته تا وزارت of fish and Wildlife به سرانجام رسیده بود.

ولی برای اینکه مدل میامی بتواند، به عمل در آید قبل از همه چیز پلیس خود را مجبور دید که بین فعالین برحق و تروریستهای خطرناک پیوندی برقرار نماید. این وظیفه بوسیله رئیس پلیس میامی جون تیمونی (John Timoney) به انجام رسید، که در اطلاعیه های خود دشمن را تبدیل به فعالین سیاسی خطرناک "punkare" کرد؛ او بدفعات متعددی مخالفان فتا را این چنین نامید "بیگانگانی که برای ایجاد وحشت و ترور و ویران کردن شهر ما به اینجا می آیند." هنگامیکه موفق شدید که فعالین را به پدیده بیگانه خطرناک تبدیل کنید قادر خواهی بود که شیرهای آب را برای آبیاری " جنگ ضد تروریستی" بوسیله امکانات عمومی باز کنید. هشت و نیم میلیون دلاری که برای حفظ امنیت ملاقات سران قرارداد

فتا اختصاص داده شده بود را در واقع از ۸۷ میلیارد دلاری برداشته شد که بوش از کنگره آمریکا برای مخارج عملیات در عراق در هفته قبل گرفته بود. این فاکتی بود که فقط در رسانه های محلی انتشار پیدا کرد.

اما چیزیکه از اشغال عراق به قرض گرفته شد خیلی بیشتر از پول بود.

پلیس میامی ژورنالیستها را دعوت "به جا خوش کردن" در زوهپوشها وهلی کوپترهای نظامی کرد. درست مانند عراق بسیاری از ژورنالیستها نقش نفرین شده ژورنالیستی را در رول شبه سرباز بازی کردند و خود را به کلاهخود های مسخره و لباسهای جدید موسوم به پرقو یا ضد گلوله مجهز نمودند. نتیجه ی چنین پوشش رسانه ای عینا مانند زمان جنگ به گرفتن تعدادی عکس بدون دادن اطلاعات واقعی بود. با تشکر از ژورنالیستهای "جا خوش کرده"، ما میدانیم که رئیس پلیس میامی تیمونی (Timoney) برای شکار "هرج ومرج طلبان" از خود تلاش فوق العاده ای نشان داد، این سعی و کوشش طوری بود که به نوشته ی روزنامه نگاری از میامی هرالده (Miami Herald) هنگامیکه ساعت به سه و نیم بعد ازظهره وقت محلی رسیده بود، " از ساعت شش صبح تا این زمان جناب رئیس پلیس فقط فرصت یافته بود که یک موز و یک کلوچه جوین تناول نماید".

بیشتر از اینکه رادیو و بویژه تلویزیون از تظاهرات مراقبت کند، دور و بر پلیسها را گرفته بود. از هلی کوپترهای پلیس و درگیریهای بین پلیس و تظاهرکنندگان فیلم پخش می کردند ولی به جای اینکه ما از خیابان صدای تظاهرکنندگانی را بشنویم که از پلیس تمنا میکردند که شلیک نکنند، آنها فرمانهای داده شده را به روشنی اطاعت کرده و پراکنده می شوند، ما دستورات داده شده از مافوقهای پلیس می شنیدیم و گفتارها و اخباریکه احساس همدردی کردن با بچه های (پلیسهای) جلوی جبهه به ما القا می کرد.

همزمان روزنامه نگاران غیروابسته و آزاد که می خواستند، کار واقعی خود را انجام داده و از خشونت پلیس گزارش تهیه کنند به هدف پلیس تبدیل می شدند. من می شنیدم که یکی از پلیسها به دیگری می گفت " او از ما نیست" این هنگامیکه بود که پلیس آنا نگوئیرا (Ana Nogueira) خبرنگار و فرستنده رادیو پاسیفیک دموکراسی نوین را دستگیر نمود! که از یک تظاهرات مسامت آمیز درخارج از میامی داداس (Miami Dades) زندان عمومی شهرمراقبت می کرد. آنها او را بازداشت و به زندان برای محاکمه بردند. زمانیکه فهمیدند آنا نوگوئیرا "باما نیست" یعنی اینکه او نه از ژورنالیستهای اجیر شده و "جا خوش کرده" در زرهپوشها ونه از پلیسهای لباس شخصی هست، او را بازداشت و برای محاکمه به

زندان بردند.

کار برد مدل میامی برای چگونگی برخورد به اعتراضات درخانه خیلی از اینکه فقط برای محافظت از یک ملاقات سران باشد، گسترده می باشد و اهداف درازمدتی را پیش روی خود گذاشته است. روز یکشنبه گذشته سندی که از طرف پلیس فدرال (FBI) به بیرون درز کرد، در روزنامه نیویورک تایمز به چاپ رسیده بود. این سند افشاء می کند که " یک همکاری، یک سرمایه گذاری ملی برای جمع آوری اطلاعات امنیتی" در باره جنبش ضد جنگ در آمریکا بین ارگانهای مختلف امنیتی و پلیسی به وجود آمده است. این یادداشت حکایت از این میکند که بطور کامل تمامی اعتراضات قانونی از جمله آموزشهای اعمال غیرخسوت آمیز، تهیه فیلمهای ویدئویی از عملیات پلیس و ارگانیزه کردن از طریق اینترنت را دربر می گیرد. مسئول و سخنگوی اتحادیه شهروندان لیبرال آمریکا، آقای آنتونی رومیرو (Anthony Romero) می گوید این سند افشاء می نماید که " FBI به طرز خطرناکی تمام آمریکاییهایی را که فقط به اعتراضات و فعالیتهای مسالمت آمیز می پردازند را هدف قرار داده است. مرز بین اعمال تروریستی و نافرمانی مدنی شناخته شده در قانون، در حال پاک شدن است".

در آینده ما می توانیم شاهد کاربرد چنین تاکتیکهایی در جبهه داخلی در موارد خیلی زیادی باشیم. درست مثل نادیده گرفتن و پایمال کردن حقوق شهروندی در زمانی که واشنگتن کنترل پروسه فتا را از دست داد اعمال گردید، سرکوبی جنبش همراه با احساس تهدید به از دست دادن کنترل کاخ سفید دارودسته ی بوش اوج می گیرد.

ازهم اکنون جیم ویلکینسون (Jim Wilkinson) رئیس ارتباطات استراتژیک در پایگاه مرکزی آمریکایی در دوهه قطر که تولید کننده فیلم " آزاد نمودن جیسیکا لینچ (Jessica Lynch) می باشد، به نیویورک برای سامان دادن پوشش مطبوعاتی مجمع انتخاباتی حزب جمهوریخواه در سال آینده منتقل شده است. "مامکانات درپتو پیچیدن ژورنالیستها را مطالعه می کنیم." اواین مطلب را به خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز می گوید، او بطور ضمنی از حيله و نیرنگهایی که در جنگ عراق مورد استفاده قرار داده و در نظر دارد که از آنها در مجمع انتخاباتی جمهوریخواهان در سال آینده بهره برداری کند، پرده برمی دارد. جیم میکوید " ما درحال مطالعه دوربین های جدید و جالب می باشیم." جنگ به خانه می آید.

ناومی کلین Naomi Klein

برگردان به فارسی

حمید قربانی

۲۰۰۲_۱۲_۹

